

نوشتار؛
خواهی زشت

انتشارات
سیامرود

سرشناسه: خبازی کناری، مهدی، ۱۳۵۱-

عنوان و نام پدیدآور: نوشتار؛ خواهری زشت (دریدا و افلاطون)/

نویسندگان مهدی خبازی کناری و صفا سبطی.

مشتقات نشر: تهران: انتشارات سیاهرود، ۱۳۹۸.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۱۷-۴۴-۱

شماره افلاطون: سبطی، صفا، ۱۳۴۴-

رده‌بندی دیویی: ۱۰۰

شماره کتابشناسی: ۶۱۰۱۲۹

نام کتاب: نوشتار خبازی کناری (دریدا و افلاطون)

نویسندگان: دکتر مهدی خبازی کناری (دانشیار دانشگاه مازندران)

و دکتر صفا سبطی

ناشر: انتشارات سیاهرود

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۶۰۰۰ تومان

آدرس: تهران، میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه‌ی رشتچی، پلاک ۷، واحد ۸

تلفن: ۶۶۹۰۶۷۸۶-۶۶۹۰۶۷۴۹

آدرس سایت: siahroudpub.ir ایمیل: siahroud@gmail.com

کلیه حقوق این اثر (چاپ و اقتباس) برای انتشارات سیاهرود است و

هیچ شخص حقیقی و حقوقی حق چاپ، انتشار و کپی کل و

یا بخش‌هایی از این کتاب را به هر صورت ندارد.

فهرست

مقدمه	۷
فصل اول: شرح کتاب پرانش	۱۱
متن و خوانش	۱
فایده‌ی متن، متنی ضعیف یا منسجم؟	۱۳
فارماکون، کلا، خوانش فایدروس	۱۶
فارماکور و نوشتار	۱۸
فصل دوم: درستی، تقابل‌ها، دوگانه و ساختارزدایی	۲۵
فصل سوم: تصمیم، اختار، سطر، به ساختار حقیقت در	۳۱
رساله‌ی فایدروس: ردّ سلطه‌ی پدران	
ردّ سلطه‌ی پدران	۳۳
اسطوره به مثابه قاعده‌ی ساختاری فایدروس	۳۴
مفصل‌بندی دوگانه‌ها در فایدروس	۳۷
گفتار زنده در برابر نوشتار مرده	۴۲
فصل چهارم: فارماکون تصمیم‌ناپذیر: خوانش درستی از	۴۷
فایدروس افلاطون	
لانگاز	۶۲

لانیگ	۶۳
پارول و تفاوت های آن با لانیگ	۶۵
فصل پنجم: فارماکون: اختلاط هراس آور؛ تهدید حقیقت	۷۹
فارماکون: جادوی قابله	۸۲
فارماکون: جادوی سایه	۸۶
فارماکون: اختلاط هراس آور	۲
ارماکون: تهدید حقیقت، برهم زنده‌ی نظم	۱۳
فصل ششم: خورا	۹۹
دراره‌ی مانوس	۹۹
فصل هفتم: هم‌ریدا	۱۲۷
سقطه در بازار	۱۲۹
نوشتار به مثابه سرمایه	۱۳۰
منابع	۱۳۳

مقدمه

مواجهه‌ی افلاطون و دریدا بسیار پرفراز و نشیب است. جایگاه فلسفه‌ی افلاطون، هم به‌لحاظ تاریخی و هم به‌لحاظ ماهوی، جایگاهی ویژه است. دریدا به‌طور عام رویکرد ساختارزدایی این مسأله را به‌طور عمیق درک کرده است. به نظر دریدا، افلاطون دارای شأن تاریخی به‌لحاظ ماهوی در تاریخ اندیشه و ریخت‌سازنه به‌طور عام است. به معنای دیگر، افلاطون برای دریدا هم به‌لحاظ تاریخی و هم به‌لحاظ ماهوی خاستگاه فلسفه و پدر فلسفه یا خداوندگار فلسفه محسوب می‌شود. از یک سو، با رویکرد ایجابی، هر آن‌چه که فلسفه دارد به‌لحاظ تاریخی و ماهوی مدیون یا میراث‌بر افلاطون است و هم به وجهی دیگر، تمامی وجوه انقیادآور نیز در ساختار و محتوای فلسفه‌ی افلاطونی و آثار افلاطون نهفته است. دریدا بیش از هر فیلسوف دیگری این مسأله را دریافته است. بنابراین، پرداختن به نسبت دریدا و افلاطون برای درک تمامی وجوه فلسفه و فایده و روند تاریخی آن بسیار ضروری است.

افلاطون همچون ابرسوژه‌ای در تاریخ فلسفه است که سایه‌ی او بر تمامی فیلسوفان، چه به ایجاب و چه به سلب، از نزدیک‌ترین فیلسوفان به وی تا هابز و ارسطو تا متأخرترین جریان‌های فلسفی، و به‌طور عام بر حوزه‌ی اندیشه، به‌وضوح دیده می‌شود. از فیلسوفان پیش از مسیحیت گرفته تا فیلسوفان مسیحی و فیلسوفان دوره‌ی مدرن همچون کانت و هگل تا فیلسوفان قرن بیستم و جریان‌های متضاد یا در تقابل با یکدیگر، همچون فیلسوفان تحلیلی

در دوره‌های متفاوت، فیلسوفان پدیده‌شناس، فیلسوفان اگزیستانسیالیست، از ساختارگرایان تا پساساختارگرایان و پسامدرن‌ها همه به‌وجهی با افلاطون گره خورده‌اند. دریدا تلاش می‌کند در مواجهه با افلاطون این وجوه گسترده‌ی افلاطون در تاریخ فلسفه را به‌انحاء مختلف با مواجهه‌ی ساختارزدایانه با متون افلاطون نشان دهد. پرداختن به افلاطون پرداختن به تاریخ فلسفه است. پرداختن به افلاطون پرداختن به چالش‌های همیشگی در تاریخ اندیشه، فلسفه، علم، هنر، سیاست، اخلاق و زیبایی‌شناسی است.

در این کتاب، ما با توجه به اهمیت مواجهه‌ی دریدا با افلاطون، تلاش کرده‌ایم با رسم بسط و گسترش و ترجمه‌ی مقاله‌های مختلف، در آمد و شدی میان ترجمه و تالیف، نسبت افلاطون با دریدا را مورد بررسی قرار دهیم. دریدا فیلسوفان پیش‌اندان سیاری را مورد تأمل قرار داده است، اما به‌باور ما، مواجهه و خراسم دریدا از افلاطون بسیار ویژه است. افلاطون به‌مثابه‌ی خاستگاه تکوین مفاهیم، روش‌ها، رویکردها، استراتژی‌ها و غایت‌ها، دریدا را بر آن داشته که به‌طور همه‌جانبه با نسبتی «از نزدیک» و «دوگانه» به افلاطون بپردازد. از سویی، دریدا ساختارزدایی را در مقابل مفاهیم بنیادین افلاطون قرار می‌دهد و از سوی دیگر، به‌انکشاف آن می‌اندیشد، تا جایی که حتی خاستگاه ساختارزدایی را، وقتی افلاطون در مورد مفهوم خورا صحبت می‌کند، در متون او پیدا می‌کند. به‌باور دریدا، حتی مفاهیمی در متون افلاطون وجود دارد که خود می‌تواند خاستگاه ساختارزدایی باشد، چنان‌که خود افلاطون به‌وجهی در یک ضرورت متنی به این مسأله با مفاهیم و بیان خودش اشاره می‌کند.

کتاب شامل هفت فصل است که در هر یک از فصل‌ها با تأویل و بسط متن‌هایی از دریدا، یا مفسران و منتقدان او، سعی کرده‌ایم تا خوانش وی را از متون افلاطون نشان دهیم. همچنین به‌منظور روشن شدن بحث‌ها، بخش‌هایی از متون افلاطون که مورد بحث قرار گرفته‌اند، آورده شده‌اند.

ترجمه‌های فارسی این متون نقل شده است.

در نهایت، کتاب حاضر می‌تواند از دو جهت برای خوانندگان آن مفید باشد: اول این که در قالب خوانش دریدا از افلاطون می‌توان مواجهه‌ی ساختارزدایانه با متن را ملاحظه کرد. این در حالی است که بنا به ادعای دریدا، ساختارزدایی یک روش تفسیر یا نقد نیست و نمی‌توان آن را به شیوه‌ای معین تحت عنوان خوانش ساختارزدا تقلیل داد. همچنین خوانش دریدا از متون افلاطون از زوایای مختلف و در قالب بحث‌هایی متفاوت ارائه می‌گردد که می‌تواند برای علاقمندان و پژوهشگران حوزه‌ی فلسفه مفید باشد.